گزارش «وطن امروز» از انتقال وزیر خزانه‌داری ترامپ به پناهگاه نظامی؛ تشدید نگرانی امنیتی در حلقه نزدیک به رئیس‌جمهور آمریکا

بسنت به دنبال سوراخ موش!



گروه بین‌الملل: ترس از ایران و نگرانی از انتقام، لحظه‌ای مقامات دولت ترامپ را رها نمی‌کند. منابع آمریکایی تایید کردند «اسکات بسنت» وزیر تروریست خزانه‌داری دولت ترامپ که به پیگیری طرح‌های تحریمی و فشار اقتصادی علیه ایران معروف است، محل اقامت خود در واشنگتن را ترک کرده و برای تأمین امنیت به یک پایگاه نظامی منتقل شده است.

به گزارش «وطن امروز» بر اساس گزارش منابع معتبر، انتقال وزیر خزانه‌داری آمریکا به یک پایگاه نظامی نامعلوم پس از آن انجام شد که مقام‌های اطلاعاتی - امنیتی دولت ترامپ نسبت به افزایش تهدیدهای احتمالی علیه کارکنان و شهروندان آمریکایی هشدار دادند.

سخنگوی وزارت خزانه‌داری آمریکا هم با تایید انتقال بسنت به یک پایگاه نظامی، تلاش کرد ترس و نگرانی از تهدید وی را پنهان کند و مدعی شد تهدیدهای منتسب به ایران مانع فعالیت‌های بسنت نخواهد شد. او در ادامه ادعای خود افزود: وزیر اجازه نخواهد داد تهدیدهای ایران او را از ادامه فعالیت بازدارد و همچنان به اجرای عملیات طرد اقتصادی و حفظ محاصره ایران متعهد است.

رویترز همچنین به نقل از یک منبع آگاه گزارش داد نگرانی‌های امنیتی درباره بسنت پس از انتشار تصویری هوایی از عمارت محل سکونت او در منطقه جرج‌تاون واشنگتن افزایش یافت. این خانه که بسنت اندکی پس از تأیید صلاحیتش به عنوان وزیر خزانه‌داری در ژانویه ۲۰۲۵ با قیمت ۱۲,۵ میلیون دلار خریداری کرده بود، در تصویری منتشرشده از سوی وال‌استریت ژورنال قابل شناسایی شده بود. به گفته این منبع، انتشار تصویر مذکور امکان شناسایی دقیق موقعیت خانه را فراهم کرد و در نهایت تصمیم به انتقال بسنت به یک پایگاه نظامی برای حفاظت از او گرفته شد.

■ جنگ اقتصادی تا فرار به لانه موش!

انتقال وزیر خزانه‌داری ترامپ به مکان امن در حالی است که بسنت یکی از چهره‌های اصلی کارزار فشار اقتصادی دولت ترامپ علیه ایران به شمار می‌رود. او از ماه آگوست ۲۰۲۶ هدایت عملیاتی موسوم به طرد اقتصادی را بر عهده داشته است؛ عملیاتی که با هدف افزایش فشار اقتصادی بر ایران، اعمال تحریم‌های جدید علیه مؤسسات مالی و محدود کردن مبادلات اقتصادی مرتبط با تهران دنبال می‌شود. این اقدامات همزمان با محاصره دریایی بنادر ایران از سوی آمریکا انجام شده است.

بسنت از زمان آغاز این مأموریت، مجموعه‌ای از اقدامات گسترده را برای به صفر رساندن درآمدهای اقتصادی ایران دنبال کرده است. او حدود ۳ ماه پیش - ۲۴ آگوست - از آغاز عملیات موسوم به «طرد اقتصادی» علیه ایران خبر داد و اعلام کرد خزانه‌داری آمریکا شبکه‌های مالی، نفتی، کشتیرانی و تجاری مرتبط با تهران را هدف قرار خواهد داد. تحریم بیش از ۶۰ شرکت، فرد و شناور، تهدید بانک‌های خارجی به قطع دسترسی به نظام مالی آمریکا، محدودسازی فعالیت صرافی‌های رمزارز و فشار بر کشورهای طرف معامله با ایران از جمله اقدامات این کارزار است. در ادامه این سیاست، خزانه‌داری آمریکا شبکه‌های تأمین تجهیزات نظامی ایران را تحریم کرد و سپس مدعی شد بخش عمده ناوگان سایه نفتکش‌های ایران را از کار انداخته است.

با این حال، هدف اصلی جنگ اقتصادی آمریکا به سرکردگی بسنت، یعنی فروپاشی ساختار سیاسی ایران و وادار کردن تهران به پذیرش خواسته‌های واشنگتن، به هیچ عنوان محقق نشد. حتی گزارش شورای روابط خارجی آمریکا اذعان دارد واشنگتن گزینه مناسبی برای وادار کردن ایران به پذیرش مطالبات خود ندارد، زیرا تشدید فشار نظامی با خطر پاسخ متقابل ایران و گسترش جنگ همراه است و تشدید فشار اقتصادی نیز می‌تواند به تقابل با چین و پیامدهای اقتصادی گسترده منجر شود.

بنابراین در شرایط فعلی حفظ اهرم‌های ژئوپلیتیک ایران در منطقه، به‌ویژه در تنگه هرمز و ناکامی آمریکا در تبدیل فشار اقتصادی به یک پیروزی سیاسی، نشان می‌دهد بسنت نتوانسته نتیجه مورد نظر خود را به دست آورد و در این شرایط انتقال وی به پناهگاه نشان می‌دهد مقام ارشدی که در رأس کارزار و جنگ اقتصادی علیه ایران قرار گرفته، حتی در خاک آمریکا آرامش و امنیت ندارد و دولت آمریکا ناچار شده با تدابیر ویژه از او محافظت کند! کارشناسان معتقدند انتقال بسنت به پناهگاه بیش از هر چیز ثابت می‌کند تقابل با ایران حتی برای مقامات آمریکا در خاک آمریکا نیز هزینه زیادی دارد.

■ همه فرارهای دولت ترامپ

در یک سال و نیم گذشته به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی در خرداد ۱۴۰۴، نگرانی‌های امنیتی در حلقه نزدیک به ترامپ ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. تهدیدهای منتسب به ایران علیه مقام‌های آمریکا اگرچه در بیشتر موارد در حد گمانه‌زنی بوده و سند و مدرکی درباره این ادعاها ارائه نشده اما نگرانی از اقدامات تلافی‌جویانه و احتمال هدف قرار گرفتن مسؤولان ارشد دولت آمریکا باعث شده شماری از آنها خانه‌های شخصی خود را ترک کنند و به اقامتگاه‌های حفاظت‌شده در پایگاه‌های نظامی منتقل شوند.

نگرانی از تهدیدهای ایران حتی به شخص ترامپ نیز رسید و یکی از کم‌سابقه‌ترین اقدامات حفاظتی درباره رئیس‌جمهور آمریکا در جریان اجلاس ناتو در آنکارا در تابستان امسال رقم خورد. بر اساس گزارش واشنگتن‌پست، در آن زمان اطلاعات امنیتی آمریکا از احتمال حمله موشکی به هواپیمای حامل ترامپ هنگام خروج از ترکیه حکایت داشت.

به روایت یک مقام ارشد دولت آمریکا که با شبکه تلویزیونی ای‌بی‌سی گفت‌وگو کرده بود، اطلاعاتی درباره حضور یک هسته فعال ترور در ترکیه و احتمال در اختیار داشتن موشک دوش‌پرتاب در اختیار نهادهای امنیتی قرار گرفته بود.

در نتیجه، سرویس مخفی و ارتش تروریست آمریکا عملیاتی برای تغییر مسیر خروج رئیس‌جمهور اجرا کردند و ترامپ در نهایت با استفاده از یک کامیون حمل غذا(!) و در شرایطی که خبرنگاران و حتی برخی کارکنان کاخ سفید تصور می‌کردند او همچنان در هواپیمای اصلی ریاست‌جمهوری است، به یک هواپیمای نظامی منتقل شد. آن زمان مارکو روبیو و اسکات بسنت در هواپیمای فریب باقی ماندند و پیت هگست همراه ترامپ با پرواز دیگری ترکیه را ترک کردند.

ترامپ پس از انتشار جزئیات این عملیات، در پاسخ به خبرنگاران گفت ارتش و سرویس مخفی خواسته بودند با پرواز دیگری سفر کند و افزود: فکر می‌کنم تهدیدی وجود داشت. او همچنین در جریان اجلاس ناتو خود را «هدف شماره یک ایران» توصیف کرده بود. این ماجرا نشان داد نگرانی از پاسخ ایران حتی برنامه سفر و شیوه جابه‌جایی رئیس‌جمهور آمریکا را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

ترس و نگرانی از انتقام ایران تنها به رئیس‌جمهور تروریست آمریکا محدود نمانده و شماری از اعضای کابینه و مقام‌های ارشد دولت وی نیز طی ماه‌های گذشته به اقامتگاه‌های نظامی یا اماکن حفاظت‌شده منتقل شده‌اند. مارکو روبیو، وزیر خارجه و پیت هگست، وزیر جنگ، در پایگاه نظامی فورت مک‌نیر در واشنگتن سکونت داشتند اما مارس ۲۰۲۶ همزمان با حملات آمریکا و رژیم صهیونی به ایران، مشاهده پهپادهای ناشناس بر فراز این پایگاه، نگرانی‌های امنیتی را افزایش داد و باعث انتقال این افراد به اماکن نامعلوم شد.

پیش از آن نیز استیو میلر، از چهره‌های بانفوذ کاخ سفید و مشاور ترامپ، پس از تهدیدها علیه خود و خانواده‌اش در سال ۲۰۲۵ خانه شخصی‌اش را ترک کرده و به اقامتگاهی حفاظت‌شده در یک پایگاه نظامی منتقل شده بود.

کریستی نوم، وزیر پیشین امنیت داخلی ترامپ نیز پس از افشای نشانی محل سکونتش و دریافت تهدیدهای متعدد به پایگاه نظامی آناکاستیا - بولینگ رفت.

پم باندی، وزیر پیشین دادگستری آمریکا و شماری دیگر از مقام‌ها از جمله دنیل دریسکول، وزیر ارتش و جان فلان، وزیر وقت نیروی دریایی نیز در گزارش‌های رسانه‌ای در شمار مقام‌هایی قرار گرفتند که به دلایل امنیتی و ترس از اقدامات انتقام‌جویانه ایران، به اقامتگاه‌های نظامی منتقل شدند.

■ حتی مقامات پیشین ترامپ هم در امان نیستند

در عین حال نگرانی‌های امنیتی در آمریکا محدود به مقام‌های فعلی دولت ترامپ نیست و شماری از چهره‌های ارشد دولت نخست او نیز سال‌هاست تحت تدابیر حفاظتی شدید زندگی می‌کنند. مایک پمپئو، وزیر سابق خارجه آمریکا و برایان هوک، نماینده ویژه پیشین واشنگتن در امور ایران، از جمله این افراد هستند که به گفته مقامات پیشین آمریکا در دولت بایدن تهدیدهای امنیتی علیه آنها حتی پس از پایان کار دولت اول ترامپ همچنان «جدی و معتبر» بود. وزارت خارجه آمریکا حتی حفاظت شبانه‌روزی از این ۲ مقام را تمدید کرد، طوری که ای‌پی هزینه تأمین امنیت ۲۴ ساعته آنها را بیش از ۲ میلیون دلار در ماه گزارش کرده بود. واشنگتن این تهدیدها را به نقش این ۲ مقام در سیاست فشار حداکثری علیه ایران و مشارکت در تصمیم منتهی به ترور و شهادت سردار حاج‌قاسم سلیمانی مرتبط می‌دانست.

نگرانی و احساس ناامنی در میان مقامات دولت اول ترامپ تنها به پمپئو و هوک محدود نیست. مارک اسپر، وزیر سابق جنگ آمریکا هم ژوئیه ۲۰۲۴ یعنی حدود ۴ سال پس از پایان کارش در دولت اول ترامپ اعلام کرد به دلیل تهدیدهای جانی تحت حفاظت شبانه‌روزی قرار دارد.

مارک میلی، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آمریکا و فرانک مک‌کنزی، فرمانده سابق سنتکام نیز پس از عملیات تروریستی منجر به شهادت سپهبد سلیمانی با تدابیر امنیتی ویژه محافظت شدند. جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی ترامپ نیز با پرونده قضایی مرتبط با طرح ترور شهید سلیمانی مواجه است. مجموعه این موارد نشان می‌دهد پیامدهای تقابل با ایران برای واشنگتن صرفا به هزینه‌های نظامی و اقتصادی محدود نمانده و حتی پس از پایان مسؤولیت مقام‌های آمریکا، سایه نگرانی‌های امنیتی همچنان بر زندگی آنها سنگینی می‌کند.

■ سرهنگ بازنشسته: تهدید، پاسخ تهدید است

در این میان برخی کارشناسان نیز معتقدند انتقال وزیر خزانه‌داری آمریکا به مکان نامعلوم موضوع عجیبی نیست و این واکنشی به اقدامات پیشین خود دولت ترامپ علیه مقامات ایران است. «دنیل دیویس» سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا و تحلیلگر مسائل نظامی و امنیتی در این ارتباط گفت: وقتی آمریکا ترور فرماندهان و دانشمندان ایرانی را جشن می‌گیرد، نباید از اقدام متقابل علیه خود تعجب کند.

سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا و تحلیلگر مسائل نظامی و امنیتی در این ارتباط افزود: نخبگان فاسد حاکم بر آمریکا تا چه اندازه از واقعیت فاصله گرفته‌اند. آقای فلایشر از گزارش‌های مربوط به تلاش احتمالی ایران برای ترور اسکات بسنت به‌شدت خشمگین است اما خودش از ترور ژنرال‌ها، دانشمندان و مقام‌های ارشد ایران و حتی اعضای خانواده‌های‌شان حمایت می‌کند!

نظامی ارشد پیشکسوت آمریکایی ادامه داد: وقتی از ترور ژنرال‌ها، دانشمندان و مقام‌های ارشد ایران و حتی اعضای خانواده‌های‌شان حمایت و چنین اقداماتی را توجیه می‌کنید، در واقع دشمنان‌مان را به تلافی‌جویی مشابه تشویق می‌کنید. یکی از بزرگ‌ترین خطاهای این نخبگان آن است که تصور می‌کنند می‌توانند هر اقدامی علیه دیگران انجام دهند، بی‌آنکه روزی با همان رفتار مواجه شوند؛ تفکری که در نهایت به رنج و آسیب برای کشور خودمان منجر خواهد شد.

از درگیری نتانیاهو و آیزنکوت تا اختلاف بر سر ریاست کنست؛ بحران سیاسی صهیونیست‌ها وارد مرحله تازه‌ای شد

جنگ قدرت در تل‌آویو

گروه بین‌الملل: با ادامه بن‌بست در کنست و عدم تشکیل کابینه تل‌آویو، به نظر می‌رسد بحران داخلی صهیونیست‌ها پایان ندارد. روز چهارشنبه شبکه صهیونی «کان» گزارش داد با وجود تنش‌ها با ایران، کابینه امنیتی - سیاسی تل‌آویو طی یک ماه گذشته هیچ جلسه‌ای برگزار نکرده و پس از آخرین نشست کابینه امنیتی در ۵ اکتبر، عصر چهارشنبه سران صهیونیست‌ها با کش و قوس فراوان یک جلسه امنیتی کوتاه برگزار کردند. این در حالی است که طی ماه گذشته سطح آماده‌باش در رژیم به دلیل احتمال انجام عملیات نظامی علیه ایران بالا بوده و تشکیل کابینه امنیتی پس از یک ماه وقفه نشان می‌دهد اختلافات و چالش‌های سیاسی در تل‌آویو بسیار زیاد است.

به گزارش «وطن امروز» روز سه‌شنبه نیز جلسه افتتاحیه پارلمان جدید صهیونیست‌ها موسوم به کنست در موجی از اختلافات و درگیری‌های داخلی آغاز شد. فرانس ۲۴ در این ارتباط گزارش داد اعضای پارلمان جدید تل‌آویو روز سه‌شنبه در میان صحنه‌های پرتنش سوگند یاد کردند و در این جلسه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر موقت با کسی که قصد دارد جانشین او شود درگیر شد. گادی آیزنکوت که حالا مامور تشکیل کابینه است، سخنرانی نتانیاهو در کنست را «مصادره سیاسی» خواند و خواستار تحقیق درباره قصورهای امنیتی منتهی به حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شد.

حتی در میان شرکت‌کنندگان نیز درگیری پیش آمد، تا جایی که انتشار تصاویر درگیری لفظی سارا نتانیاهو و ایتامار بن‌گویر، وزیر امنیت قومی رژیم صهیونیستی با نفتالی بنت، رهبر ائتلاف مخالف نتانیاهو در پارلمان، واکنش تمسخرآمیز و نفرین کاربران عرب‌زبان را به دنبال داشت. شماری از آنها با تمسخر این درگیری‌ها، برای صهیونیست‌ها آرزو کردند همواره سرگرم اختلافات و نزاع‌های داخلی باشند و هیچ‌گاه آرامش و توافق را تجربه نکنند. برخی دیگر نیز با لحنی تندتر، صهیونیست‌ها را نفرین و ابراز امیدواری کردند اختلافات میان مقام‌ها و جریان‌های سیاسی رژیم روزبه‌روز بیشتر شود.

■ احزاب عرب: نتانیاهو را به زباله‌دان تاریخ خواهیم انداخت

از سوی دیگر فهرست مشترک عرب که حضور سرنوشت‌سازی در پارلمان رژیم دارد، با حمله به نتانیاهو اعلام کرد: در سریع‌ترین زمان ممکن، اراده رأی‌دهندگان خود را برای برکناری نتانیاهو، رئیس کنست، دولت افراطی و خشن وی محقق خواهیم کرد و آنان را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به زباله‌دان تاریخ خواهیم انداخت.

این اظهارات در واکنش به سخنرانی سه‌شنبه‌شب نتانیاهو در کنست گفته شد. این فهرست در ادامه بیانیه خود افزود وی در وضعیت «هیستری مطلق» قرار دارد و سخنان دیوانه‌وار، تحریک‌آمیز و نژادپرستانه او را نمی‌توان به شکل دیگری تفسیر کرد.

■ جنگ بر سر ریاست کنست و پرونده شکست ۷ اکتبر

درگیری بر سر ریاست کنست نیز به یکی دیگر از میدان‌های تقابل ۲ جبهه تبدیل شده است. مخالفان نتانیاهو تلاش دارند «عمیر اوحانا» رئیس کنونی کنست و از چهره‌های نزدیک به لیکود را کنار بگذارند و «متان کاهانا» متحد آیزنکوت را جایگزین او کنند. رئیس کنست و هیأت‌رئیسه آن نقش مهمی در تعیین دستور کار جلسات و پیشبرد طرح‌های قانونی دارند. مخالفان نتانیاهو می‌خواهند با در اختیار گرفتن این موقعیت، حتی پیش از تشکیل کابینه جدید، مسیر تصویب طرح‌هایی علیه میراث نتانیاهو را هموار کنند. از جمله این طرح‌ها، تشکیل کمیسیون تحقیق دولتی درباره شکست امنیتی ۷ اکتبر ۲۰۲۳، محدود کردن دوره نخست‌وزیری و بازگرداندن اختیارات قضایی است که در دوره نتانیاهو محدود شده است.

آیزنکوت که خود از فرماندهان پیشین ارتش تروریست صهیونیستی است، خواستار روشن شدن مسؤولیت مقام‌های سیاسی و نظامی در شکست امنیتی ۷ اکتبر شده است؛ موضوعی که می‌تواند برای نتانیاهو پیامدهای سیاسی و حتی قضایی سنگینی داشته باشد. در مقابل، نتانیاهو تلاش می‌کند با حفظ متحدان خود در مناصب کلیدی کنست، مانع پیشروی مخالفان شود. به این ترتیب، اختلافات کنونی تنها بر سر تشکیل کابینه نیست، بلکه به جنگی بر سر کنترل نهادهای سیاسی و بازخواست مسؤولان شکست‌های امنیتی گذشته تبدیل شده است.

■ آینده مبهم کابینه رژیم

اختلافات سیاسی در تل‌آویو در شرایطی تشدید شده که رژیم صهیونیستی با مجموعه‌ای از بحران‌های امنیتی و نظامی در منطقه روبه‌رو است و هنوز تکلیف کابینه آینده مشخص نیست.

از سوی دیگر، بحران سیاسی در تل‌آویو در حالی ادامه دارد که نتانیاهو همچنان به عنوان نخست‌وزیر موقت مسؤولیت اداره امور امنیتی و نظامی رژیم را بر عهده دارد اما مشروعیت سیاسی و پشتوانه پارلمانی دولت او به‌شدت تضعیف شده است.

آیزنکوت نیز برای تشکیل کابینه ناچار است میان احزاب عرب و احزاب مذهبی و حتی بخشی از حزب لیکود ائتلافی دشوار ایجاد کند؛ ائتلافی که هرکدام از این جریان‌ها مطالبات و خطوط قرمز متفاوتی دارند. به گزارش رویترز، آیزنکوت خود وضعیت کنونی را شرایط اضطراری توصیف کرد و هشدار داد اسرائیل به نقطه‌ای خطرناک و نزدیک به نقطه بی‌بازگشت رسیده است.

اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی نیز در مراسم تحلیف نمایندگان جدید از آنها خواست مانع برگزاری انتخابات مجدد شوند. این وضعیت در کنار اختلافات بر سر نحوه مواجهه با ایران، جنگ‌های منطقه‌ای، مسؤولیت شکست‌های امنیتی و آینده کابینه، نشان می‌دهد صهیونیست‌ها در یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های بی‌ثباتی سیاسی خود قرار گرفته‌اند؛ بحرانی که نه‌تنها کابینه آینده، بلکه توان تصمیم‌گیری سیاسی و امنیتی تل‌آویو را نیز با چالش جدی مواجه کرده است.

گزارش

از تخریب هزاران چادر تا ممانعت اشغالگران از ورود ۱۵۰ هزار سرپناه؛ وعده‌های شوراهای صلح روی هوا!

تماشاچی مرگ در غزه

گروه بین‌الملل: با آغاز نخستین بارندگی‌های شدید پاییز در نوار غزه، بحران انسانی در این منطقه وارد مرحله خطرناک‌تری شده است. هزاران خانواده فلسطینی که پس از ماه‌ها جنگ ویرانگر خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند، اکنون در چادرهای فرسوده و سرپناه‌های موقت، بدون امکانات گرمایشی و تجهیزات اولیه زندگی، با سیل، سرما و بارندگی‌های شدید دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بارش‌های سیل‌آسا مناطق مختلف غزه را دربرگرفته و اردوگاه‌های آوارگان، خیابان‌ها، مراکز درمانی و محل‌های اسکان اضطراری را آب گرفته است.

به گزارش «وطن امروز» بارندگی‌ها در شرایطی آغاز شد که بخش بزرگی از زیرساخت‌های شهری، شبکه‌های فاضلاب و سیستم‌های دفع آب‌های سطحی در جریان حملات نظامی تخریب شده و امکان مقابله با سیلاب را از میان برده است. سازمان ملل متحد هشدار داد وضعیت موجود تنها یک بحران ناشی از شرایط جوی نیست، بلکه نتیجه ویرانی گسترده زیرساخت‌ها، آوارگی میلیون‌ها فلسطینی و محدودیت ورود تجهیزات و کمک‌های انسانی به منطقه است.

■ ۲۶ هزار خانواده آسیب دیدند و هزاران چادر نابود شد

ابعاد خسارات ناشی از نخستین موج شدید بارندگی بسیار گسترده است. بر اساس گزارش رسمی اوچا (دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد)، بیش از ۲۶ هزار خانواده فلسطینی درخواست کمک کرده‌اند، زیرا چادرها، محل‌های اسکان یا وسایل زندگی آنها بر اثر بارندگی و سیلاب آسیب دیده است.

ارزیابی‌های اولیه هم نشان می‌دهد بیش از ۶ هزار سرپناه خانوادگی به طور کامل تخریب و ۱۷ هزار و ۴۰۰ سرپناه دیگر دچار آسیب شده‌اند. همچنین بیش از ۳۹۰۰ خانواده در حال حاضر هیچ سرپناهی ندارند. حدود ۶۰۰ خانواده نیز به دلیل شدت خسارات مجبور شده‌اند بار دیگر محل سکونت خود را ترک کنند. نکته نگران‌کننده آن است که این آمارها هنوز نهایی نیست و سازمان ملل احتمال می‌دهد شمار واقعی خانواده‌های آسیب‌دیده بیشتر باشد. در همین حال، برآوردهای سازمان ملل نشان می‌دهد ۶۵ درصد جمعیت غزه، معادل ۱,۴ میلیون نفر، در چادرها و سرپناه‌های موقت زندگی می‌کنند؛ سرپناه‌هایی که در برابر بادهای شدید و بارندگی‌ها مقاومت کافی ندارند.

تصاویر هوایی از نوار غزه هم نشان می‌دهد بخش‌های گسترده‌ای از مناطق محل اسکان آوارگان در آب فرورفته و هیچ چادری از آبگرفتگی در امان نمانده است.

تخریب زیرساخت‌های شهری و کمبود تجهیزات امدادی باعث شده نیروهای دفاع مدنی غزه حتی توان پاسخگویی به بخش بزرگی از درخواست‌های اضطراری را نداشته باشند. به بیان دیگر، بخش عمده تماس‌های اضطراری بدون اعزام نیرو باقی ماند و بسیاری از خانواده‌ها مجبور شدند شخصا برای نجات وسایل زندگی یا تخلیه آب از چادرهای‌شان اقدام کنند. شهرداری‌های غزه نیز با کمبود شدید پمپ‌های تخلیه آب، خودروهای مکنده فاضلاب، ماشین‌آلات سنگین و قطعات یدکی مواجهند. تخریب شبکه‌های دفع آب‌های سطحی و اختلاط آب باران با فاضلاب، خطر شیوع بیماری‌های عفونی را افزایش داده است. در برخی اردوگاه‌ها، فاضلاب وارد چادرها شده و تشک‌ها، لباس‌ها و وسایل ضروری خانواده‌ها را آلوده کرده است. این وضعیت در شرایطی رخ می‌دهد که دسترسی به آب سالم، خدمات بهداشتی و امکانات درمانی نیز با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است.

■ شورای صلح غزه یا شورای نمایشی؟

تشدید بحران غزه باعث افزایش انتقادات از شورای صلح غزه شده است. شورای صلح غزه که نهادی پیشنهادی برای نظارت بر اداره غزه پس از جنگ، هماهنگی بازسازی و مدیریت مرحله انتقالی این منطقه است و در چارچوب طرح رئیس‌جمهور تروریست آمریکا برای آینده غزه مطرح شده، بیش از یک نهاد واقعی، یک نهاد تشریفاتی و تبلیغاتی به نظر می‌رسد.

«فیلیپ لازارینی» کمیسر کل پیشین آنروا از «شورای صلح» به دلیل ناکافی بودن تجهیزات اسکان و مشکلات سرریز شدن فاضلاب در غزه و در عین حال نادیده گرفتن نقش سازمان ملل در بحران انسانی این منطقه انتقاد کرد. لازارینی در واکنش به بیانیه شورای صلح درباره آبگرفتگی چادرهای آوارگان گفت: این شورا به حمایت خود از تصمیم اسرائیل برای جلوگیری از فعالیت آنروا و سازمان‌های بین‌المللی باتجربه در نوار غزه اشاره نکرده است. وی همچنین شورای صلح را متهم کرد از نفوذ خود برای بهبود شرایط بسیار دشوار آوارگان فلسطینی استفاده نمی‌کند.

■ کارشکنی اشغالگران در امدادرسانی

همزمان با تشدید بحران انسانی در نوار غزه و وقوع سیلاب‌های گسترده در اردوگاه‌های آوارگان، رژیم صهیونی همچنان با محدود کردن ورود کمک‌های بشردوستانه، تجهیزات امدادی و اقلام ضروری زمستانی، مانع امدادرسانی مؤثر به فلسطینیان می‌شود. بر اساس گزارش رویترز، اسرائیل حتی با ورود تجهیزات مورد نیاز برای تعمیر حوضچه جمع‌آوری آب‌های سطحی در محله شیخ رضوان غزه مخالفت کرده است. سازمان‌های امدادی همچنین از معطل ماندن بیش از ۱۵۰ هزار چادر پشت گذرگاه‌ها به دلیل محدودیت‌های رژیم خبر داده‌اند. این در حالی است که بارندگی‌های اخیر ده‌ها هزار چادر را تخریب یا زیر آب برده و دست‌کم ۴ نفر، از جمله ۳ کودک، جان خود را از دست داده‌اند. به این ترتیب، محاصره و ممانعت از ورود تجهیزات امدادی در کنار تخریب زیرساخت‌های حیاتی، بحران انسانی غزه را به مرحله خطرناک‌تری رسانده و صدها هزار آواره فلسطینی را در آستانه زمستان با خطر بی‌خانمانی، بیماری و سرمازدگی مواجه کرده است.